

عبرانیان

برتری پسر بر فرشتگان

۱ خدا، که در زمان گذشته به اقسام متعدّد و طریق‌های مختلف به وساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود،^۲ در این ایام آخر به ما به وساطت پسر خود متکلم شد، که او را وارث جمیع موجودات قرار داد، و به وسیله او عالمها را آفرید؛^۳ که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلیٰ علیین بنشست؛^۴ و از فرشتگان والاتر گردید، به مقدار آنکه اسمی بزرگتر از ایشان به میراث یافته بود.

۵ زیرا به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت که «تو پسر من هستی، من امروز تو را تولید نمودم؟» و همچنین «من او را پدر خواهم بود و او پسر من خواهد بود؟»^۶ و هنگامی که نخست‌زاده را باز به جهان می‌آورد، می‌گوید که، «جمیع فرشتگان خدا او را پرستش کنند.»^۷ و در حق فرشتگان می‌گوید که «فرشتگان خود را بادهای می‌گرداند و خادمان خود را شعله آتش.»^۸ اما در حق پسر: «ای خدا تخت تو تا ابدالآباد است و عصای ملکوت تو عصای راستی است. عدالت را دوست و شرارت را دشمن می‌داری؛ بنابراین خدا، خدای تو، تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفقای مسخ کرده است.»^{۱۰} و (نیز می‌گوید: «تو ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا

کردی و افلاک مصنوع دستهای تو است.»^{۱۱} آنها فانی، اما تو باقی هستی، و جمیع آنها چون جامه مندرس خواهد شد،^{۱۲} و مثل ردا آنها را خواهی پیچید و تغییر خواهند یافت. اما تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد شد.»^{۱۳} و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت: «بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای‌انداز تو سازم؟»^{۱۴} آیا همگی ایشان روح‌های خدمتگزار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می‌شوند؟

تشویق به توجه

۲ بنابراین لازم است که به دقت بلیغ تر آنچه را شنیدیم گوش دهیم، مبادا که از آن ربنوده شویم.^۲ زیرا هرگاه کلامی که به وساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید، به قسمی که هر تجاوز و غفلت را جزای عادل می‌رسید؛^۳ پس ما چگونه رستگار گردیم، اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛^۴ در حالی که خدا نیز با ایشان شهادت می‌داد به آیات و معجزات و انواع قوای و عطایای روح القدس بر حسب اراده خود.

عیسی مشابه برادران خود

۵ زیرا عالم آینده‌ای را که ذکر آن را می‌کنیم

فرشتگان را دستگیری نمی‌نماید، بلکه نسل ابراهیم را دستگیری می‌نماید.^{۱۷} از این جهت می‌بایست در هر امری مشابه برادران خود شود تا در امور خدا رَئِیس کَهَنَه‌ای کریم و امین شده، کَفَّارَةُ گناهان قوم را بکند.^{۱۸} زیرا که چون خود عذاب کشیده، و سوسه دید استطاعت دارد که و سوسه‌شدگان را کمک فرماید.

برتری پسر بر موسی

۳ بنابراین، ای برادران مقدّس که در دعوت آسمانی شریک هستید، در رسول و رَئِیس کَهَنَه اعتراف ما، یعنی عیسی تأمل کنید،^۲ که نزد او که وی را معین فرمود امین بود، چنانکه موسی نیز در تمام خانه او بود.^۳ زیرا که این شخص لایق اکرامی بیشتر از موسی شمرده شد به آن اندازه‌ای که سازنده خانه را حرمت بیشتر از خانه است.^۴ زیرا هر خانه‌ای به دست کسی بنا می‌شود، اما بانی همه خداست.^۵ و موسی مثل خادم در تمام خانه او امین بود، تا شهادت دهد بر چیزهایی که می‌بایست بعد گفته شود.^۶ و اما مسیح مثل پسر بر خانه او؛ و خانه او ما هستیم، به شرطی که تا به انتها به اطمینان و فخر امید خود متمسک باشیم.

هشدار علیه بی‌ایمانی

^۷ پس چنانکه روح القدس می‌گوید: «امروز اگر آواز او را بشنوید،^۸ دل خود را سخت مسازید، چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او در روز امتحان در بیابان،^۹ جایی که پدران شما مرا امتحان و آزمایش کردند و اعمال مرا تا مدّت

مطیع فرشتگان نساخت.^۶ اما کسی در موضعی شهادت داده، گفت: «چيست انسان که او را به خاطر آوری یا پسر انسان که از او تفقّد نمایی؟^۷ او را از فرشتگان اندکی پست‌تر قرار دادی و تاج جلال و اکرام را بر سر او نهادی و او را بر اعمال دستهای خود گماشتی.^۸ همه چیز را زیر پایهای او نهادی.» پس چون همه چیز را مطیع او گردانید، هیچ چیز را نگذاشت که مطیع او نباشد. اما الآن هنوز نمی‌بینیم که همه چیز مطیع وی شده باشد.^۹ اما او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد می‌بینیم، یعنی عیسی را که به زحمت موت، تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد.^{۱۰} زیرا او را که به خاطر وی همه و از وی همه چیز می‌باشد، چون فرزندان بسیار را وارد جلال می‌گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند.^{۱۱} زانرو که چون مقدّس‌کننده و مقدّسان همه از یک می‌باشند، از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند.^{۱۲} چنانکه می‌گوید: «اسم تو را به برادران خود اعلام می‌کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهم خواند.»^{۱۳} و همچنین: «من بر وی توکل خواهم نمود. و نیز، اینک، من و فرزندان‌کی که خدا به من عطا فرمود.»

^{۱۴} پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا به وساطت موت، صاحب قدرت موت، یعنی ابلیس، را تباہ سازد؛^{۱۵} و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند.^{۱۶} زیرا که در حقیقت

که شنیدند بدیشان نفع نبخشید، از اینرو که با شنوندگان به ایمان متحد نشدند. ۳ زیرا ما که ایمان آوردیم، داخل آن آرامی می گردیم، چنانکه گفته است: «در خشم خود قسم خوردم که به آرامی من داخل نخواهند شد.» و حال آنکه اعمال او از آفرینش عالم به اتمام رسیده بود. ۴ و در مقامی دربارهٔ روز هفتم گفت که «در روز هفتم خدا از جمیع اعمال خود آرامی گرفت.» ۵ و باز در این مقام که، به آرامی من داخل نخواهند شد.

۶ پس چون باقی است که بعضی داخل آن بشوند و آنانی که پیش بشارت یافتند، به سبب نافرمانی داخل نشدند، ۷ باز روزی معین می فرماید چونکه به زبان داود بعد از مدت مدیدی، «امروز» گفت، چنانکه پیش مذکور شد که «امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید.» ۸ زیرا اگر یوشع ایشان را آرامی داده بود، بعد از آن دیگر را ذکر نمی کرد. ۹ پس برای قوم خدا آرامی سبب باقی می ماند. ۱۰ زیرا هر که داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارامید، چنانکه خدا از اعمال خویش. ۱۱ پس سعی و کوشش بکنیم تا به آن آرامی داخل شویم، مبادا کسی در آن نافرمانی عبرت آمیز بیفتد. ۱۲ زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و برنده تر است از هر شمشیر دودم و فرو رونده، تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را، و مُمَیِّز افکار و نیتهای قلب است، ۱۳ و هیچ خلقت از نظر او مخفی نیست بلکه همه چیز در چشمان او که کار ما با وی است، برهنه و منکشف می باشد.

چهل سال می دیدند. ۱۰ از این جهت به آن گروه خشم گرفته، گفتم، ایشان پیوسته در دلهای خود گمراه هستند، و راههای مرا نشناختند. ۱۱ تا در خشم خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

۱۲ ای برادران، باحذر باشید، مبدا در یکی از شما دل شریر و بی ایمان باشد، که از خدای زنده مرتد شوید، ۱۳ بلکه هر روزه همدیگر را نصیحت کنید، مادامی که «امروز» خوانده می شود، مبدا احدی از شما به فریب گناه سخت دل گردد. ۱۴ از آنرو که در مسیح شریک گشته ایم اگر به ابتدای اعتماد خود تا به انتها سخت متمسک شویم. ۱۵ چونکه گفته می شود، «امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید، چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او.»

۱۶ پس که بودند که شنیدند و خشم او را جنبش دادند؟ آیا تمام آن گروه نبودند که به واسطهٔ موسی از مصر بیرون آمدند؟ ۱۷ و به که تا مدت چهل سال خشمگین می بود؟ آیا نه به آن گناهکارانی که بدنهای ایشان در صحرا ریخته شد؟ ۱۸ و دربارهٔ که قسم خورد که به آرامی من داخل نخواهند شد، مگر آنانی را که اطاعت نکردند؟ ۱۹ پس دانستیم که به سبب بی ایمانی نتوانستند داخل شوند.

آرامی قوم خدا

۴ پس بترسیم مبدا با آنکه وعدهٔ دخول در آرامی وی باقی می باشد، ظاهر شود که احدی از شما قاصر شده باشد. ۲ زیرا که به ما نیز به مثال ایشان بشارت داده شد، اما کلامی

کَهَنَهٗ مخاطب ساخت به رتبهٔ مَلِکِیَصِدِیق.

رئیس کهنه عظیم

۱۴ پس چون رئیس کَهَنَهٗ عظیمی داریم که از آسمانها درگذشته است، یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم. ۱۵ زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعفهای ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه. ۱۶ پس با اعتماد نزدیک به تخت فیض بیابیم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت (ما را) کمک کند.

۵ زیرا که هر رئیس کَهَنَهٗ از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان مقرر می‌شود در امور الهی تا هدایا و قربانی‌ها برای گناهان بگذرانند؛^۲ که با جاهلان و گمراهان می‌تواند ملایمت کند، چونکه او نیز دارای ضعف است.

۳ و به سبب این ضعف، او را لازم است چنانکه برای قوم، همچنین برای خویشتن نیز قربانی برای گناهان بگذرانند. ۴ و کسی این مرتبه را برای خود نمی‌گیرد، مگر وقتی که خدا او را بخواند، چنانکه هارون را. ۵ و همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس کهنه بشود، بلکه او که به وی گفت: «تو پسر من هستی؛ من امروز تو را تولید نمودم.»^۶ چنانکه در مقام دیگر نیز می‌گوید: «تو تا به ابد کاهن هستی بر رتبهٔ مَلِکِیَصِدِیق.»

۷ و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که به رهانیدنش از مرگ قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید،^۸ هر چند پسر بود، به مصیبت‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت و کامل شده،^۹ جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت. ۱۰ و خدا او را به رئیس

تشویق به استواری

۱۱ که دربارهٔ او ما را سخنان بسیار است، که شرح آنها مشکل می‌باشد چونکه گوشهای شما سنگین شده است. ۱۲ زیرا که هر چند با این طول زمان شما را می‌باید معلّمان باشید، باز محتاجید که کسی اصول و مبادی الهامات خدا را به شما بیاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی. ۱۳ زیرا هر که شیرخواره باشد، کلام عدالت را نیاموخته است، چونکه طفل است. ۱۴ اما غذای قوی از آن بالغان است که حواس خود را به موجب عادت، ریاضت داده‌اند تا تشخیص نیک و بد را بکنند.

۶ بنابراین، از کلام ابتدای مسیح درگذشته، به سوی کمال سبقت بجوییم، و بار دیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان به خدا نهیم،^۲ و تعلیم تعمیدها و نهادن دستها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را. ۳ و این را به جا خواهیم آورد هر گاه خدا اجازت دهد.

۴ زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطای سماوی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند،^۵ و لذت کلام نیکوی خدا و قوّات عالم آینده را چشیدند،^۶ اگر بیفتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند، در حالی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می‌کنند و او را بی‌حرمت می‌سازند.^۷ زیرا زمینی که بارانی را که بارها بر آن می‌افتد، می‌خورد و گیاهان نیکو برای فلاحان خود می‌رویاند، از خدا

شده است، ۲۰ جایی که آن پیشرو برای ما داخل شد، یعنی عیسی که بر رتبهٔ ملکِ یَصِدِّق، رئیس کَهَنه گردید، تا ابدالآباد.

ملکیصدق

زیرا این ملکِ یَصِدِّق، پادشاه سالیم و کاهن خدای تعالی، هنگامی که ابراهیم از شکست دادن ملوک مراجعت می کرد، او را استقبال کرده، بدو برکت داد. ۲ و ابراهیم نیز از همهٔ چیزها ده یک بدو داد؛ که او اول ترجمه شده، پادشاه عدالت است و بعد ملک سالیم نیز، یعنی «پادشاه صلح». ۳ بی پدر و بی مادر و بی نسب نامه و بدون ابتدای ایام و انتهای حیات بلکه به شبیه پسر خدا شده، کاهن دایمی می ماند. ۴ پس ملاحظه کنید که این شخص چقدر بزرگ بود که ابراهیم پاتریارک نیز از بهترین غنایم، ده یک بدو داد. ۵ و اما از اولاد لایوی کسانی که کهانت را می یابند، حکم دارند که از قوم به حسب شریعت ده یک بگیرند، یعنی از برادران خود، با آنکه ایشان نیز از صُلب ابراهیم پدید آمدند. ۶ اما آن کس که نسبتی بدیشان نداشت، از ابراهیم ده یک گرفته و صاحب وعده ها را برکت داده است. ۷ و بدون هر شبهه، کوچک از بزرگ برکت داده می شود. ۸ و در اینجا مردمان مردنی ده یک می گیرند، اما در آنجا کسی که بر زنده بودن وی شهادت داده می شود. ۹ حتی آنکه گویا می توان گفت که، به وساطت ابراهیم از همان لایوی که ده یک می گیرد، ده یک گرفته شد، ۱۰ زیرا که هنوز در صُلب پدر خود بود، هنگامی که ملکِ یَصِدِّق او را استقبال کرد.

برکت می یابد. ۸ اما اگر خار و خشک می رویاند، متروک و لعنت شده و در آخر، سوخته می شود. ۹ اما ای عزیزان در حق شما چیزهای بهتر و قرین نجات را یقین می داریم، هر چند بدینطور سخن می گوئیم. ۱۰ زیرا خدا بی انصاف نیست که عمل شما و آن محبت را که به اسم او از خدمت مقدسین که در آن مشغول بوده و هستید ظاهر کرده اید، فراموش کند. ۱۱ اما آرزوی این داریم که هر یک از شما همین سعی و کوشش را برای یقین کامل امید تا به انتها ظاهر نمایید، ۱۲ و کاهل مشوید، بلکه اقتدا کنید آنانی را که به ایمان و صبر وارث وعده ها می باشند.

اعتماد به وعده استوار خدا

۱۳ زیرا وقتی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون به بزرگتر از خود قسم نتوانست خورد، به خود قسم خورده، گفت: ۱۴ «به راستی من تو را برکت عظیمی خواهم داد و تو را بی نهایت کثیر خواهم گردانید.» ۱۵ و همچنین چون صبر کرد، آن وعده را یافت. ۱۶ زیرا مردم به آنکه بزرگتر است، قسم می خورند هر مشاجره ایشان در نهایت با سوگند به اثبات می رسد. ۱۷ از اینرو، چون خدا خواست که عدم تغییر ارادهٔ خود را به وارثان وعده به تأکید بی شمار ظاهر سازد، قسم در میان آورد. ۱۸ تا به دو امر بی تغییر که ممکن نیست خدا در آنها دروغ گوید، تسلی قوی حاصل شود برای ما که پناه بردیم تا به آن امیدی که در پیش ما گذارده شده است تمسک جوئیم، ۱۹ و آن را مثل لنگری برای جان خود ثابت و پایدار داریم که در درون حجاب داخل

۲۴ اما وی چون تا به ابد باقی است، کهانت بی‌زوال دارد. ۲۵ از این جهت نیز قادر است که آتانی را که به وسیلهٔ وی نزد خدا آیند، نجات بی‌نهایت بخشند، چونکه دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند.

۲۶ زیرا که ما را چنین رئیس کهنه شایسته است، قدّوس و بی‌آزار و بی‌عیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها بلندتر گردیده، ۲۷ که هر روز محتاج نباشد به مثال آن رؤسای کهنه، که اوّل برای گناهان خود و بعد برای قوم قربانی بگذرانند، چونکه این را یک بار فقط به جا آورد، هنگامی که خود را به قربانی گذرانید. ۲۸ از آنرو که شریعت مردمانی را که کم‌زوری دارند کاهن می‌سازد، اما کلام قسم که بعد از شریعت است، پسر را که تا ابدالآباد کامل شده است.

رئیس کهنه عهد جدید

پس مقصود عمده از این کلام این است که، برای ما چنین رئیس کهنه‌ای هست، که در آسمانها به دست راست تخت کبریا نشسته است، ۲ که خادم مکان اقدس و آن خیمهٔ حقیقی است، که خداوند آن را برپا نمود نه انسان. ۳ زیرا که هر رئیس کهنه مقرر می‌شود تا هدایا و قربانی‌ها بگذرانند؛ و از این جهت واجب است که او را نیز چیزی باشد که بگذرانند. ۴ پس اگر بر زمین می‌بود، کاهن نمی‌بود، چون کسانی هستند که به قانون شریعت هدایا را می‌گذرانند. ۵ و ایشان شبیه و سایهٔ چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند، چنانکه موسی الهام گرفت، هنگامی که عازم بود که خیمه را بسازد، زیرا بدو می‌گوید:

کهانت عیسی بر رتبه ملک‌یصدق
 ۱۱ و دیگر اگر از کهانت لای کمال حاصل می‌شد (زیرا قوم شریعت را بر آن یافتند)، باز چه احتیاج می‌بود که کاهنی دیگر بر رتبهٔ ملک‌یصدق مبعوث شود و مذکور شود که بر رتبهٔ هارون نیست؟ ۱۲ زیرا هر گاه کهانت تغییر می‌پذیرد، البته شریعت نیز تبدیل می‌یابد. ۱۳ زیرا او که این سخنان در حق وی گفته می‌شود، از سبط دیگر ظاهر شده است که احدی از آن، خدمت قربانگاه را نکرده است. ۱۴ زیرا واضح است که خداوند ما از سبط یهودا طلوع فرمود، که موسی در حق آن سبط از جهت کهانت هیچ نگفت.

۱۵ و نیز بیشتر مُبیین است از اینکه، به مثال ملک‌یصدق کاهنی بطور دیگر باید ظهور نماید، ۱۶ که به شریعت و احکام جسمی مبعوث نشود، بلکه به قوت حیات غیر فانی. ۱۷ زیرا شهادت داده شد که «تو تا به ابد کاهن هستی بر رتبهٔ ملک‌یصدق.»

۱۸ زیرا که حاصل می‌شود، هم نسخ حکم سابق بعلت ضعف و عدم فایدهٔ آن ۱۹ (از آن جهت که شریعت هیچ چیز را کامل نمی‌گرداند)، و هم برآوردن امید نیکوتر، که به آن تقرّب به خدا می‌جوییم. ۲۰ و به قدر آنکه این بدون قسم نمی‌باشد. ۲۱ زیرا ایشان بی‌قسم کاهن شده‌اند و اما این با قسم از او که به وی می‌گوید: «خداوند قسم خورد و تغییر اراده نخواهد داد که تو کاهن ابدی هستی، بر رتبهٔ ملک‌یصدق.» ۲۲ به همین قدر نیکوتر است آن عهدی که عیسی ضامن آن گردید. ۲۳ و ایشان کاهنان بسیار می‌شوند، از جهت آنکه مرگ از باقی بودن ایشان مانع است.

فرائض قدس دنیوی

۹ خلاصه آن عهد اول را نیز فرائض خدمت و قدس دنیوی بود. ۲ زیرا خیمهٔ اول نصب شد که در آن بود چراغدان و میز و نان تقدّمه، و آن قدس نامیده شد. ۳ و در پشت پردهٔ دوم بود آن خیمه‌ای که قدس الاقداس نام دارد، ۴ که در آن بود مذبح زرّین و تابوت شهادت که همهٔ اطرافش به طلا آراسته بود؛ و در آن بود ظرف زرین که پر از منّ بود و عصای هارون که شکوفه آورده بود و دو لوح عهد. ۵ و بر روی آن کروبیان جلال که بر تخت رحمت سایه گستر می‌بودند و الآن جای شرح آنها نیست.

۶ پس چون این چیزها بدینطور آراسته شد، کهنه برای انجام خدمت، پیوسته به خیمهٔ اول در می‌آیند. ۷ اما در دوم سالی یک مرتبه رئیس کهنه تنها داخل می‌شود؛ و آن هم نه بدون خونی که برای خود و برای جهالات قوم می‌گذراند. ۸ که به این همه روح القدس اشاره می‌نماید بر اینکه مادامی که خیمهٔ اول برپاست، راه مکان اقدس ظاهر نمی‌شود. ۹ و این مثلی است برای زمان حاضر که به حسب آن هدایا و قربانی‌ها را می‌گذرانند که قوت ندارد که عبادت‌کننده را از جهت ضمیر کامل گرداند، ۱۰ چونکه اینها با چیزهای خوردنی و آشامیدنی و طهارات مختلفه، فقط فرائض جسدی است که تا زمان اصلاح مقرر شده است.

مسیح کاهن و فدیۀ ابدی

۱۱ اما مسیح چون ظاهر شد تا رئیس کهنهٔ نعمت‌های آینده باشد، به خیمهٔ بزرگتر و

«آگاه باش که همه چیز را به آن نمونه‌ای که در کوه به تو نشان داده شد بسازی.» ۶ اما الآن او خدمت نیکوتر یافته است، به مقداری که مَتَوَسِّطِ عهد نیکوتر نیز هست که بر وعده‌های نیکوتر مرتّب است. ۷ زیرا اگر آن اول بی‌عیب می‌بود، جایی برای دیگری طلب نمی‌شد. ۸ چنانکه ایشان را ملامت کرده، می‌گوید:

«خداوند می‌گوید، ایمنک، ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه استوار خواهم نمود. ۹ نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم، در روزی که من ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر برآوردم، زیرا که ایشان در عهد من ثابت نماندند. پس خداوند می‌گوید، من ایشان را واگذاردم. ۱۰ و خداوند می‌گوید، این است آن عهدی که بعد از آن ایام با خاندان اسرائیل استوار خواهم داشت که احکام خود را در خاطر ایشان خواهم نهاد و بر دل ایشان مرقوم خواهم داشت و ایشان را خدا خواهم بود و ایشان مرا قوم خواهند بود. ۱۱ و دیگر کسی همسایه و برادر خود را تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس زیرا که همه از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت. ۱۲ زیرا بر تقصیرهای ایشان ترحم خواهم فرمود و گناهانشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.»

۱۳ پس چون «تازه» گفت، اول را کهنه ساخت؛ و آنچه کهنه و پیر شده است، مشرف بر زوال است.

نیکوتر از اینها. ۲۴ زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است؛ بلکه به خود آسمان تا آنکه الآن در حضور خدا برای ما ظاهر شود. ۲۵ و نه آنکه جان خود را بارها قربانی کند، مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری به مکان اقدس داخل می شود؛ ۲۶ زیرا در این صورت می بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. اما الآن یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد. ۲۷ و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است، ۲۸ همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد برای نجات.

قربانی یگانه مسیح

پس چون شریعت سایه چیزهای نیکوی آینده است نه خود آنها، پس نمی تواند با قربانی هایی که هر سال می گذرانند، نزدیک شدگان را کامل گرداند. ۲ و الا آیا گذرانیدن آنها متوقف نمی شد چونکه عبادت کنندگان، بعد از آنکه یک بار پاک شدند، دیگر حس گناهان را در ضمیر نمی داشتند؟ ۳ بلکه در اینها هر سال یادگاری گناهان می شود. ۴ زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکند.

۵ بنابراین هنگامی که داخل جهان می شود، می گوید: «قربانی و هدیه را نخواستی، اما جسدی برای من مهیا ساختی. ۶ به قربانی های سوختنی و قربانی های گناه رغبت نداشتی.

کامل تر و ناساخته شده به دست، که از این خلقت نیست، ۱۲ و نه به خون بزها و گوساله ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی را یافت. ۱۳ زیرا هرگاه خون بزها و گاوان و خاکستر گوساله چون بر آلودگان پاشیده می شود، تا به طهارت جسمی مقدس می سازد، ۱۴ پس آیا چند مرتبه زیاده، خون مسیح که به روح ازلی خویشتن را بی عیب به خدا گذرانید، ضمیر شما را از اعمال مرده طاهر نخواهد ساخت، تا خدای زنده را خدمت نمایند؟

۱۵ و از این جهت او متوسط عهد تازه ای است تا چون مرگ برای کفارة تقصیرات عهد اول به وقوع آمد، خوانده شدگان وعده میراث ابدی را بیابند. ۱۶ زیرا در هر جایی که وصیتی است، لابد است که موت وصیت کننده را تصور کنند، ۱۷ زیرا که وصیت بعد از مرگ ثابت می شود؛ زیرا مادامی که وصیت کننده زنده است، استحکامی ندارد. ۱۸ و از اینرو، آن اول نیز بدون خون برقرار نشد. ۱۹ زیرا که چون موسی تمامی احکام را به حسب شریعت به سمع قوم رسانید، خون گوساله ها و بزها را با آب و پشم قرمز و زوفا گرفته، آن را بر خود کتاب و تمامی قوم پاشید؛ ۲۰ و گفت: «این است خون آن عهدی که خدا با شما قرار داد.» ۲۱ و همچنین خیمه و جمیع آلات خدمت را نیز به خون بیالود. ۲۲ و به حسب شریعت، تقریباً همه چیز به خون طاهر می شود و بدون ریختن خون، آمرزش نیست.

۲۳ پس لازم بود که مکلفهای چیزهای آسمانی به اینها طاهر شود، اما خود آسمانی ها به قربانی های

دلیری داریم تا به مکان اقدس داخل شویم
 ۲۰ از طریق تازه و زنده که آن را برای ما از میان
 پرده، یعنی جسم خود مهیّا نموده است، ۲۱ و
 کاهنی بزرگ را بر خانه خدا داریم، ۲۲ پس به دل
 راست، در یقین ایمان، دل‌های خود را از ضمیر
 بد پاک کرده و بدنهای خود را به آب پاک غسل
 داده، نزدیک بیاییم؛ ۲۳ و اعتراف امید را محکم
 نگاه داریم، زیرا که وعده‌دهنده امین است.
 ۲۴ و ملاحظه یکدیگر را بنماییم تا به محبت و
 اعمال نیکو ترغیب نماییم. ۲۵ و از با هم آمدن
 در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت
 است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادت‌ر به
 اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود.
 ۲۶ زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی
 اگر عمداً گناهکار شویم، دیگر قربانی گناهان
 باقی نیست، ۲۷ بلکه انتظار هولناک عذاب و
 غیرت آتشی که مخالفان را فرو خواهد برد.
 ۲۸ هر که شریعت موسی را خوار شمرد، بدون
 رحم به دو یا سه شاهد کشته می‌شود. ۲۹ پس
 به چه مقدار گمان می‌کنید که آن کس، مستحق
 عقوبت سخت‌تر شمرده خواهد شد که پسر خدا
 را پایمال کرد و خون عهدی را که به آن مقدّس
 گردانیده شد، ناپاک شمرد و روح نعمت را
 بی‌حرمت کرد؟ ۳۰ زیرا می‌شناسیم او را که گفته
 است: «خداوند می‌گوید انتقام از آن من است؛
 من مکافات خواهم داد.» و همچنین: «خداوند
 قوم خود را داوری خواهد نمود.» ۳۱ افتادن به
 دست‌های خدای زنده چیزی هولناک است.

۳۲ و اما ایام گذشته را به یاد آورید که بعد از
 آنکه منور گردیدید، متحمّل مجاهده‌ای عظیم

آنگاه گفتم، اینک، می‌آیم (در طومار کتاب در
 حقّ من مکتوب است) تا اراده تو را ای خدا
 به جا آورم. ۸ چون پیش می‌گوید: «هدایا و
 قربانی‌ها و قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های
 گناه را نخواستی و به آنها رغبت نداشتی،» که
 آنها را به حسب شریعت می‌گذرانند، ۹ بعد
 گفت که «اینک، می‌آیم تا اراده تو را ای خدا
 به جا آورم.» پس اوّل را بر می‌دارد، تا دوّم را
 استوار سازد.

۱۰ و به این اراده مقدّس شده‌ایم، به قربانی
 جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط. ۱۱ و هر
 کاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می‌ایستد
 و همان قربانی‌ها را مکرراً می‌گذراند که هرگز
 رفع گناهان را نمی‌تواند کرد. ۱۰ اما او چون یک
 قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست
 خدا بنشست تا ابدالآباد. ۱۳ و بعد از آن منتظر
 است تا دشمنانش پای‌انداز او شوند.

۱۴ از آن‌رو که به یک قربانی مقدّسان را کامل
 گردانیده است تا ابدالآباد. ۱۵ و روح القدس نیز
 برای ما شهادت می‌دهد، زیرا بعد از آنکه گفته
 بود: ۱۶ «این است آن عهدی که بعد از آن ایام
 با ایشان خواهم بست، خداوند می‌گوید احکام
 خود را در دل‌های ایشان خواهم نهاد و بر ذهن
 ایشان مرقوم خواهم داشت، ۱۷ [باز می‌گوید] و
 گناهان و خطایای ایشان را دیگر به یاد نخواهم
 آورد.» ۱۸ اما جایی که آمرزش اینها هست، دیگر
 قربانی گناهان نیست.

تشویق به پایداری

۱۹ پس ای برادران، چونکه به خون عیسی

۵ به ایمان خنوخ منتقل گشت تا مرگ را نبیند و نایاب شد چرا که خدا او را منتقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد که رضامندی خدا را حاصل کرد. ۶ اما بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است، زیرا هر که تقرّب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد.

۷ به ایمان نوح چون دربارهٔ اموری که تا آن وقت دیده نشده، الهام یافته بود، خدا ترس شده، کشتی‌ای برای اهل خانهٔ خود بساخت و به آن، دنیا را ملزم ساخته، وارث آن عدالتی که از ایمان است گردید.

۸ به ایمان ابراهیم چون خوانده شد، اطاعت نمود و بیرون رفت به سمت آن مکانی که می‌بایست به میراث یابد. پس بیرون آمد و نمی‌دانست به کجا می‌رود. ۹ و به ایمان در زمین وعده مثل زمین بیگانه غربت پذیرفت و در خیمه‌ها با اسحاق و یعقوب که در میراث همین وعده شریک بودند مسکن نمود. ۱۰ زانو که در انتظار شهری بانیاد بود که معمار و سازندهٔ آن خداست.

۱۱ به ایمان خود سارا نیز قوت قبول نسل یافت و بعد از انقضای وقت زایید، چونکه وعده‌دهنده را امین دانست. ۱۲ و از این سبب، از یک نفر و آن هم مرده، مثل ستارگان آسمان، کثیر و مانند ریگهای کنار دریا، بی‌شمار زاییده شدند. ۱۳ در ایمان همهٔ ایشان فوت شدند، در حالیکه وعده‌ها را نیافته بودند، بلکه آنها را از دور دیده، تحیت گفتند و اقرار کردند که بر روی زمین، بیگانه و غریب بودند. ۱۴ زیرا کسانی

از دردها شدید، ۳۳ چه از اینکه از دشمنان‌ها و زحمات تماشای مردم می‌شدید، و چه از آنکه شریک باکسانی می‌بودید که در چنین چیزها به سر می‌بردند. ۳۴ زیرا که با اسیران نیز همدرد می‌بودید و تاراج اموال خود را نیز به خوشی می‌پذیرفتید، چون دانستید که خود شما را در آسمان مال نیکوتر و باقی است. ۳۵ پس ترک مکنید دلیری خود را که مقرون به مجازات عظیم می‌باشد. ۳۶ زیرا که شما را صبر لازم است تا ارادهٔ خدا را به جا آورده، وعده را ببایید. ۳۷ زیرا که «بعد از اندک زمانی، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود. ۳۸ اما عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد.» ۳۹ اما ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم، بلکه از ایمانداران تا جان خود را دریابیم.

به ایمان

پس ایمان، اعتماد بر چیزهای امید داشته شده است و برهان چیزهای نادیده. ۲ زیرا که به این، برای گذشتگان شهادت داده شد.

۳ به ایمان فهمیده‌ایم که عالم‌ها به کلمه خدا مرتب گردید، حتی آنکه چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد.

۴ به ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است، به آنکه خدا به هدایای او شهادت می‌دهد؛ و به سبب همان بعد از مردن هنوز گوینده است.

را دولتی بزرگتر از خزائن مصر پنداشت زیرا که به سوی مجازات نظر می‌داشت. ۲۷ به ایمان، مصر را ترک کرد و از غضب پادشاه نترسید زیرا که چون آن نادیده را بدید، استوار ماند. ۲۸ به ایمان، عید فصّح و پاشیدن خون را به عمل آورد تا هلاک‌کننده نخست‌زادگان، بر ایشان دست نگذارد.

۲۹ به ایمان، از دریای سرخ به خشکی عبور نمودند و اهل مصر قصد آن کرده، غرق شدند.

۳۰ به ایمان حصار آریحا چون هفت روز آن را طواف کرده بودند، به زیر افتاد.

۳۱ به ایمان، راحاب فاحشه با عاصیان هلاک نشد زیرا که جاسوسان را در صلح پذیرفته بود.

۳۲ و دیگر چه گویم؟ زیرا که وقت مراکفاب نمی‌دهد که از جدعون و باراق و شمشون و

یفتاح و داود و سموئیل و انبیا اخبار نمایم، ۳۳ که از ایمان، تسخیر ممالک کردند و به اعمال

صالحه پرداختند و وعده‌ها را پذیرفتند و دهان شیران را بستند، ۳۴ شعله‌های آتش را خاموش

کردند و از دم شمشیرها رستگار شدند و از ضعف، توانایی یافتند و در جنگ شجاع شدند

و لشکرهای غربا را مغلوب ساختند. ۳۵ زنان، مردگان خود را به قیامت باز یافتند، اما دیگران

معذب شدند و خلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتر برسند. ۳۶ و دیگران از تسخیر

شدن‌ها و تازیانه‌ها بلکه از بندها و زندان آزوده شدند. ۳۷ سنگسار گردیدند و با آزه دوپاره

گشتند. تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند. در پوستهای گوسفندان و بزها محتاج

و مظلوم و ذلیل و آواره شدند. ۳۸ آنانی که جهان

که همچنین می‌گویند، ظاهر می‌سازند که در جستجوی وطنی هستند. ۱۵ و اگر جایی را که از آن بیرون آمدند، به خاطر می‌آوردند، به راستی فرصت می‌داشتند که (بدانجا) برگردند. ۱۶ اما اکنون مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (وطن) سماوی هستند و از اینرو خدا از ایشان عار ندارد که خدای ایشان خوانده شود، چونکه برای ایشان شهری مهیا ساخته است.

۱۷ به ایمان ابراهیم چون امتحان شد، اسحاق را گذرانید و آنکه وعده‌ها را پذیرفته بود، پسر

یگانه خود را قربانی می‌کرد؛ ۱۸ که به او گفته شده بود که «نسل تو به اسحاق خوانده خواهد

شد.» ۱۹ چونکه یقین دانست که خدا قادر بر برانگیزانیدن از اموات است و همچنین او را در

مملکی از اموات نیز باز یافت.

۲۰ به ایمان اسحاق نیز یعقوب و عیسو را در امور آینده برکت داد.

۲۱ به ایمان یعقوب در وقت مُردن خود، هر یکی از پسران یوسف را برکت داد و بر سر

عصای خود سجده کرد.

۲۲ به ایمان یوسف در حین وفات خود، از خروج بنی اسرائیل اخبار نمود و درباره

استخوانهای خود وصیت کرد.

۲۳ به ایمان موسی چون متولد شد، والدینش او را طفلی جمیل یافته، سه ماه پنهان کردند و از

حکم پادشاه بیم نداشتند.

۲۴ به ایمان چون موسی بزرگ شد، ابا نمود از اینکه پسر دختر فرعون خوانده شود، ۲۵ و ذلیل

بودن با قوم خدا را پسندیده‌تر داشت از آنکه لذت کوتاه مدت گناه را ببرد؛ ۲۶ و عار مسیح

پدرش او را تأدیب نکند؟^۸ اما اگر بی تأدیب می‌باشید، که همه از آن بهره یافتند، پس شما حرام‌زادگانیده پسران.^۹ و دیگر پدران جسم خود را وقتی داشتیم که ما را تأدیب می‌نمودند و ایشان را احترام می‌نمودیم، آیا از طریق اولی پدر روح‌ها را اطاعت نکنیم تا زنده شویم؟^{۱۰} زیرا که ایشان اندک زمانی، طبق صلاحدید خود ما را تأدیب کردند، اما او برای فایده تا شریک قدّوسیت او گردیم.^{۱۱} اما هر تأدیب در حال، نه باعث خوشی بلکه باعث درد می‌گردد، اما در آخر میوه صلح ناشی از عدالت را برای آنانی که از آن ریاضت یافته‌اند بار می‌آورد.^{۱۲} بنابراین دستهای افتاده و زانوهای سست شده را استوار نمایید،^{۱۳} و برای پایهای خود راه‌های راست بسازید تا کسی که لنگ باشد، از طریق منحرف نشود، بلکه شفا یابد.

هشدار در مورد بازگشت به گناه

^{۱۴} و در پی صلح با همه بکوشید و تقدّسی که به غیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید.^{۱۵} و مراقب باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه تلخی نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند.^{۱۶} مبادا شخصی زانی یا بی‌مبالات پیدا شود، مانند عیسو که برای طعمای نخست‌زادگی خود را بفروخت.^{۱۷} زیرا می‌دانید که بعد از آن نیز وقتی که خواست وارث برکت شود مردود گردید، «زیرا که جای توبه پیدا ننمود»، با آنکه با اشکها در جستجوی آن بکوشید.^{۱۸} زیرا نزدیک نشده‌اید به کوهی که می‌توان

لایق ایشان نبود، در صحراها و کوه‌ها و غارها و شکافهای زمین پراکنده گشتند.

^{۳۹} پس جمیع ایشان با اینکه از ایمان شهادت داده شدند، وعده را نیافتند.^{۴۰} زیرا خدا برای ما چیزی نیکوتر مهیا کرده است تا آنکه بدون ما کامل نشوند.

تشویق به پایداری و پذیرش تأدیب الهی

بنابراین چونکه ما نیز چنین ابر ۱۲ شاهدان را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گناهی را که ما را سخت می‌پیچد، دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است بدویم،^۲ و به سوی پیشوا و کامل‌کننده ایمان، یعنی عیسی بنگریم که برای آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی‌حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است.^۳ پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پدید آمد، مبادا در جانهای خود ضعف کرده، خسته شوید.^۴ هنوز در جنگ با گناه تا به حدّ خون مقاومت نکرده‌اید،^۵ و نصیحتی را فراموش نموده‌اید که با شما چون با پسران مکالمه می‌کند که «ای پسر من تأدیب خداوند را خوار م شمار و وقتی که از او سرزنش یابی، خسته خاطر مشو.^۶ زیرا هر که را خداوند دوست می‌دارد، توبیخ می‌فرماید و هر فرزندی مقبول خود را به تازیانه می‌زند.»

^۷ اگر متحمل تأدیب شوید، خدا با شما مثل با پسران رفتار می‌نماید. زیرا کدام پسر است که

نصایح پایانی

محبّت برادرانه برقرار باشد؛^۲ و از غریب نوازی غافل مشوید زیرا که به آن بعضی نادانسته فرشتگان را ضیافت کردند.^۳ اسیران را به خاطر آرید مثل هم‌زندان ایشان، و مظلومان را چون شما نیز در جسم هستید.

۱۳

^۴ نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیرنجس زیرا که فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود.^۵ سیرت شما از پول دوستی خالی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید زیرا که او گفته است: «تو را هرگز رها نکنم و تو را ترک نخواهم نمود.»^۶ بنابراین ما با اطمینان تمام می‌گوییم: «خداوند مددکننده من است و ترسان نخواهم بود. انسان به من چه می‌کند؟»

^۷ مرشدان خود را که کلام خدا را به شما بیان کردند به خاطر دارید و انجام سیرت ایشان را ملاحظه کرده، به ایمان ایشان اقتدا نمایید.^۸ عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدآباد همان است.

^۹ از تعلیم‌های مختلف و غریب از جا برده مشوید، زیرا بهتر آن است که دل شما به فیض استوار شود و نه به خوراکی‌هایی که آنانی که در آنها سلوک نمودند، فایده نیافتند.

^{۱۰} مذبحی داریم که خدمتگذاران آن خیمه، اجازت ندارند که از آن بخورند.^{۱۱} زیرا که جسد‌های آن حیواناتی که رئیس کهنه خون آنها را به قدس‌الاقداس برای گناه می‌برد، بیرون از لشکرگاه سوخته می‌شود.^{۱۲} بنابراین، عیسی نیز تا قوسم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید.^{۱۳} بنابراین عار او را

لمس کرد و به آتش افروخته و نه به تاریکی و ظلمت و باد سخت،^{۱۹} و نه به آواز شیپور و صدای کلایمی که شنوندگان، التماس کردند که آن کلام، دیگر بدیشان گفته نشود.^{۲۰} زیرا که متحمل آن قدغن نتوانستند شد که اگر حیوانی نیز کوه را لمس کند، سنگسار یا به نیزه زده شود.^{۲۱} و آن رویت به حدی ترسناک بود که موسی گفت: «به غایت ترسان و لرزانم.»^{۲۲} بلکه نزدیک شده‌اید به کوه صهیون و شهر خدای حی، یعنی اورشلیم آسمانی و به لشکرهای بی‌شماره از محفل فرشتگان،^{۲۳} و کلیسای نخست‌زادگانی که در آسمان مکتوبند و به خدای داور جمیع و به ارواح عادلان مکمل^{۲۴} و به عیسی متوسط عهد جدید و به خون پاشیده شده که متکلم است به معنی نیکوتر از خون هابیل.

^{۲۵} زنهار از آنکه سخن می‌گوید رو مگردانید، زیرا اگر آنانی که از آنکه بر زمین سخن گفت رو گردانیدند، نجات نیافتند، پس ما چگونه نجات خواهیم یافت اگر از او که از آسمان سخن می‌گوید رو گردانیم؟^{۲۶} که آواز او در آن وقت زمین را جنبانید، اما الآن وعده داده است، که «یک مرتبه دیگر نه فقط زمین بلکه آسمان را نیز خواهم جنبانید.»^{۲۷} و این قول او یک مرتبه دیگر اشاره است از تبدیل چیزهایی که جنبانیده می‌شود، مثل آنهایی که ساخته شد، تا آنهایی که جنبانیده نمی‌شود باقی ماند.

^{۲۸} پس چون ملکوتی را که نمی‌توان جنبانید می‌یابیم، شکر به جا بیاوریم تا به خشوع و تقوا خدا را عبادت پسندیده نماییم.^{۲۹} زیرا خدای ما آتش فروبرنده است.

برگرفته، بیرون از لشکرگاه به سوی او برویم. ۱۴ زانرو که در اینجا شهری باقی نداریم بلکه آینده را طالب هستیم. ۱۵ پس به وسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذرانیم، یعنی ثمره لبهایی را که به اسم او معترف باشند. ۱۶ اما از نیکوکاری و خیرات غافل مشوید، زیرا خدا به همین قربانی‌ها راضی است.

۱۷ رهبران خود را اطاعت کنید و تسلیمشان باشید زیرا که ایشان پاسبانی جانهای شما را می‌کنند، چونکه حساب خواهند داد تا آن را به خوشی نه به ناله به جا آورند، زیرا که این شما را مفید نیست.

۱۸ برای ما دعا کنید زیرا ما را یقین است که ضمیر خالص داریم و می‌خواهیم در هر امر رفتار نیکو نماییم. ۱۹ و بیشتر التماس دارم که چنین کنید تا زودتر به نزد شما باز آورده شوم.

۲۰ پس خدای صلح که شبان اعظم گوسفندان، یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید، ۲۱ شما را در هر عمل نیکو کامل گرداند تا اراده او را به جا آورید و آنچه منظور نظر او باشد، در شما به عمل آورد به وساطت عیسی مسیح که او را تا ابدالآباد جلال باد. آمین.

۲۲ اما ای برادران از شما التماس دارم که این کلام نصیحت‌آمیز را متحمل شوید زیرا مختصری نیز به شما نوشته‌ام. ۲۳ بدانید که برادر ما تیموتائوس رهایی یافته است و اگر زود آید، به اتفاق او شما را ملاقات خواهیم نمود.

۲۴ همه مرشدان خود و جمیع مقدسین را سلام برسانید؛ و آنانی که از ایتالیا هستند، به شما سلام می‌رسانند.

۲۵ همگی شما را فیض باد. آمین